

غزل شماره ۸۲

آن ترک پری چهره که دوش از برِ مارت
آیا چه خطا دید که از راهِ خطا رفت؟

تارفت مرا از نظر آن چشمِ جهان بین
کس واقفِ مانیت که از دیده چه مارت

بر شمعِ نرفت از کذرِ آتشِ دل، دوش
آن دود که از سوزِ جگر بر سر مارت

دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشم
سیلاب سرشک آمد و طوفانِ بلا رفت

از پای قتادیم چو آمد غمِ بهران
در دلم بردیم چو از دستِ دوا رفت

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت
عمیست که عمرم همه در کارِ دعا رفت

احرام چه بندیم؟ چو آن قبله نه این جاست
در سعی چه کوشیم؟ چو از مروه صفارفت

دی گفت طیب از سرِ حسرت چو مرادید
هیبت که رنجِ توزِ قانونِ شرافت

ای دوست به پرسیدنِ حافظِ قدمی نه
زان پیش که گویند که از دارِ فحارفت

تفسیر فال

کارهای مهم و اساسی را دست کم نگیر، زیرا بی‌توجهی به آنها می‌تواند منجر به ارتکاب خطاهای جبران‌ناپذیری شود. اگر در گفتاری که داشته‌ای، کلماتی بر زبان رانده‌ای که باعث رنجش عده‌ای از اطرافیان شده است، لازم است تلاش کنی تا دل آنها را به دست بیاوری. این امر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در دوران پیری و تنهایی، ممکن است هیچ‌کس جز یادها و خاطرات گذشته برای همدلی و گفتگو باقی نماند. مانند مثل معروف "ماهی را هر

وقت از آب بگیری تازه است"، اکنون نیز فرصت مناسبی وجود دارد تا روابط خود را ترمیم کنی و دوباره پیوندهای انسانی را برقرار سازی. هم‌اکنون نیز دیر نیست؛ اقدام کن. طبیب واقعی تو خداوند متعال است، پس با تمام وجود به سوی او روی آور تا تو را شفا دهد و از مشقات زندگی رهایت سازد. ایمان به قدرت او می‌تواند آرامش خاطر و امیدی نوین برایت به ارمغان آورد.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا